

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - ۴ و ۵  
تیر و مرداد ماه ۱۳۴۲

# آنگاه از معنا

دوره - سی و دوم  
شماره ۴ و ۵

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

( مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی )  
( صاحب امتیاز و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی )

## زبان فارسی را دریابید !

زبان و ادبیات فارسی گنجینه گرانبھائی از دانش و ادب است که نیاگان خردمندان ما در راه حراست و اعتلاء آن رنجها برده و زحمتها کشیده اند .  
زبان و ادبیات فارسی در طول سیزده قرن چون سد فولادینی بوده است که قومیت و ملیت ایرانی را در برابر سیر حوادث و سوانح هولناک جهان از اضمحلال و نیستی نجات بخشوده دوام و بقاء آنرا فراهم ساخته است .

کاخ عظیم شعر و ادب فارسی که پایه های متین آنرا اندیشه های بلند خردمندان و عقول طراحان هنرمند بنا نهاده همچون کوه ستواری از گذشت روزگار و گزند ایام نهراسیده با تمام زیبایی و ظرافت خویش هنوز در برابر دیدگان مردم روشن بین و پویندگان وادی ذوق و هنر خود نمائی میکند .

بنا های آباد گردد خراب      ز باران و از تابش آفتاب  
پی افکندم از نظم کاخی بلند      که از باد و باران نیابد گزند

گلزار خرم و شاداب ادب فارسی را گلھای رنگارنگ و ریاحین سرسبزی

تشکیل داده که مشام انسانیت را عطر آگین و شیفته‌گان عالم معنی و حقیقت را که دارای هر ذوق و سلیقه‌ای باشند مجذوب و فریفته خویش میسازد .

شاید در هیچ‌یک از زبانهای عالم اینهمه آثار متنوع ادبی ، اجتماعی ، عرفانی و عشقی حاوی مباحث و نکته‌های اخلاقی و دقایق و لطایف حکمی و ذوقی که نماینده عالیترین اندیشه‌های انسانی است بوجود نیامده باشد و اگر بگوئیم زبان شیرین فارسی از این لحاظ در مقام نخستین قرار دارد سخن باغراق نگفته‌ایم . ظهور آنهمه گویندگان و نویسندگان سترک و وجود آنهمه آثار گرانبهای ادب که هر یک به تنهایی شاهد مدعاست دلیل بر استعداد و شایستگی زبان فارسی در پرورش نوابغ سخن و فضایل عالی‌مقدار میباشد .

سخن و ادب فارسی از دیرباز بزرگترین سند افتخار ملت ایران بوده و نویسندگان و هنرمندان نامدار آن خدمات شایانی بفرهنگ و هنر جهان انجام داده‌اند .

امروز در اغلب کشورهای جهان ایران را از طریق نام فردوسی ، نظامی ، سعدی ، خیام ، مولوی و حافظ میشناسند و در حقیقت اینانند که معرف شناسائی ایران و ذوق و هنر ایرانی میباشند . جای بسی تأثر و تأسف است که بجای حراست از این درخت بارور فضل و هنر باتیشه جهالت و نادانی در صدد قطع شاخه‌های برومند آن بر آئیم و بیخردانه بتمام افتخارات خویش که ضامن بقاء ملیت و استقلال چندین هزار ساله ما بوده پشت پازنیم .

متجاوز از شصت سال است که زبان و ادبیات فارسی با سرعتی روز افزون سیر قهقرائی و انحطاط پیموده و با سهل انگاریها و احياناً مخالفت‌هایی که نسبت بدان ابراز میگردد چندی نخواهد گذشت که این سرچشمه فیاض و کاخ عظیم علم و ادب روبخشگی و ویرانی خواهد گرائید .

در طول این زمان نواهای دلخراشی از حلقوم کسانی که هیچگاه با شعر و ادب سروکاری نداشته بنام (انقلاب ادبی) یا (شعر نو) طنین انداز گردید که چون پایه و اساسی جز حس شهرت طلبی در عین بیمایگی نداشته لاجرم دیری نپائیده نقش بر آب گردید.

بقول یکی از فضلاء: «هر گاه در سالهای اخیر تنی چند از مستشرقین دانشمند اروپا نبودند متجددین عاری از لباس علم و ادب کنونی ما دواوین شعر و ادب اساتید سخن را بدتر از لشگریان یونان و عرب در آتش جهالت سوخته و الان اثری از مآثر و محاسن ایرانی باقی نبود!!»

در میان عوامل مختلفی که در این دوران موجبات سیر قهقرائی و انحطاط زبان و ادب فارسی را فراهم ساخته سه عامل اصلی زیر را باید ذکر نمود.

نخست راه و روش نادرست تعلیم زبان و ادبیات در مدارس و مکاتب امروزی است آنسانکه محصلان پس از پایان دوران تحصیل هیچگونه آشنائی با ادبیات زبان مادری خویش نداشته و غالباً از نوشتن يك نامه معمولی و قراءت يك سطر از متون فارسی عاجز و ناتوان میباشند.

دوم وضع نامطلوب مطبوعات از جرائد و مجلات گرفته تا کتب مختلفه که غالباً در نوشته ها مراعات قواعد و قوانین دستور فارسی را ننموده و از این طریق ضربت مهلکی بر پیکر زبان وارد میسازند.

سوم دستگامهای رادیو و تلویزیون که اکثراً در برنامه های موسیقی اشعار و ترانه های ناموزون و مغلوپ را پخش میکنند. اینگونه اشعار باصطلاح غزل یا تصنیف ساخته شده کسانیست که با عدم بضاعت ادبی و ذوق سلیم مأمور ساختن آنها میباشند و یا از خارج برای خود نمائی ترهات خود را برادیو و تلویزیون تحمیل مینمایند.

سه عامل فوق در متزلزل ساختن ارکان زبان و ادب فارسی در این زمان سهم بسزائی

داشته و چون مجله ارمغان بحکم وظیفه بارها از این مقوله سخن گفته و شاید در طول چهل سال انتشار خود بزرگترین مدافع زبان و ادب فارسی بوده لاجرم همواره این انتظار را داشته که خردمندان قوم و متصدیان امر روزی بیندیشند و قبل از آنکه این گوهر گرانبها برایگان از کف برود در صد چاره جوئی و مصلحت اندیشی برآیند.

وحید زاده - نسیم

### حکمت

اجل کاینات از روی ظاهر آدمی است و اذل موجودات سگ  
و باتفاق خردمندان سگ حق شناس به از آدمی ناسپاس قطعه :  
سگی را لقمه‌ای هرگز فراموش  
نگردد گر زنی صد نوبتش سنگ  
و گر عمری نوازی سفله‌ای را  
بکمتر چیزی آید با تو در جنگ

(سعدی)